

## واکاوی بخشی از ترجمه رمان «الشحاذ» بر اساس الگوی نظری وینی و داربلنه<sup>۱</sup>

شهریار نیازی<sup>۲</sup>

عطیه یوسفی<sup>۳</sup>

محمد امیری فر<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲

### چکیده

پس از اینکه، در نخستین سال‌های قرن بیستم میلادی، عرصه‌های نوین زبان‌شناسی معرفی شدند، کم‌کم توصیف زبان‌های گوناگون، بر اساس معیارهای علمی و بی‌طرفانه مورد توجه قرار گرفت. در میانه همین قرن، دو پژوهشگر کانادایی با نام‌های ژان پُل وینی و ژان داربلنه بر اساس الگوهای زبان‌شناسانه، به توصیف روش‌های مورد استفاده مترجم‌ها در برگردان متن‌هایی از زبان‌های فرانسه و انگلیسی به یک‌دیگر پرداختند. از آن زمان تا دوره حاضر، روش‌های آن‌ها، مبنای نظری پژوهش‌های گوناگون در حوزه مطالعات ترجمه

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2017.13215.1251

<sup>۲</sup> دکترای تخصصی زبان و ادبیات عربی، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، هیأت علمی دانشگاه تهران؛

shniazi@ut.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مترجمی زبان عربی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ a.usefi313@ut.ac.ir

<sup>۴</sup> دانش‌آموخته دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس؛

mohammad.amirifar@modares.ac.ir

قرار گرفت. مقاله حاضر کوشیده‌است با در نظر گرفتن تکنیک‌های مطرح‌شده در روش وینی و داربلنه (Vinay & Darbelnet, 1985)، به استخراج نمونه‌های تطبیقی از ترجمه کتاب «الشحاذ» نجیب محفوظ بپردازد که به وسیلهٔ محمد دهقانی با نام «گدا» ترجمه شده‌است، تا در نهایت جمع‌بندی از تکنیک‌های به کار گرفته شده در این ترجمه ارائه دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مترجم در ارائهٔ ترجمه‌ای شیوا به زبان فارسی، بیشتر از روش‌های ترجمهٔ غیرمستقیم بهره جسته و از میان تکنیک‌های گوناگون روش مورد اشاره، به همانندسازی روی آورده‌است.

## واژه‌های کلیدی: تکنیک‌های ترجمه، وینی و داربلنه، الشحاذ، گدا

### ۱. مقدمه

دهه ۱۹۷۰ سرآغاز نگرشی نو به ترجمه متون ادبی به شمار می‌آید. در این دوره، حوزه‌ای جدید در ترجمه‌شناسی با نام «مطالعات ترجمه» پدیدار شد. خاستگاه این حوزه در ابتدا، کشورهای هلند، بلژیک و انگلستان بود و همچون گذشته، ادبیات تطبیقی را جایگاهی برای پژوهش‌های مربوط به ترجمه ادبی می‌دانستند. لوفور<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۲، سپس لامبر<sup>۲</sup> در ۱۹۴۱ و هرمانس<sup>۳</sup> در ۱۹۴۸، از جمله مشهورترین نظریه‌پردازان مطالعات ترجمه به شمار می‌روند. علاوه بر کشورهای یادشده، در انگلستان نیز مطالعات و پژوهش‌هایی در ارتباط با ترجمه ادبی به وسیلهٔ پژوهشگرانی مانند باسنت-مگوائیر<sup>۴</sup> در سال ۱۹۴۵ انجام شده‌است (Haghani, 2007, p. 171). بر این مبنای تفاوت اصلی در مباحث‌های سنتی ترجمهٔ متون ادبی و مطالعات ترجمه، به ترتیب بر پایهٔ دو پرسش «چگونه باید باشد» و «چگونه است» بنا شده‌است (همان، ۱۷۲). با معرفی پهنه‌های نوین زبان‌شناسی در آغاز قرن بیستم میلادی، کم‌کم توصیف زبان‌های گوناگون بر پایهٔ معیارهای علمی و بی‌طرفانه مورد توجه قرار گرفت و ترجمه‌پژوهان سعی کردند از یافته‌های مطالعات زبان‌شناسی در ترجمه

<sup>1</sup> Andre Lefever

وی از جمله نظریه‌پردازان فرهنگی در نقد و ارزیابی ترجمه است

<sup>2</sup> Jose Lambert

وی از پژوهشگران حوزه ادبیات تطبیقی است که به فعالیت در زمینه مطالعات ترجمه پرداخته‌است.

<sup>3</sup> Theo Hermans

او از جمله محققین حوزه مطالعات ترجمه و استاد مرکز مطالعات ترجمه و بینا فرهنگی دانشگاه منچستر بوده‌است.

<sup>4</sup> Susan Bassnet-McGuire

وی نظریه‌پرداز، محقق و استاد ادبیات تطبیقی بوده‌است.

بهره گیرند. در میانه قرن بیستم، دو کانادایی به نام‌های ژان پل وینی<sup>۱</sup> و ژان داربننه<sup>۲</sup> بر اساس الگوهای زبان‌شناسانه به توصیف روش‌های مورد استفاده مترجمان در برگردان متن‌های فرانسه و انگلیسی به یکدیگر پرداختند. از آن زمان تا دوره معاصر، روش‌های آن‌ها مبنای نظری پژوهش‌های گوناگون در حوزه ترجمه قرار گرفت.

نظریه ترجمه، به گونه ویژه‌ای از رابطه دوسویه میان زبان‌های پردازد و به همین دلیل، شاخه‌ای از زبان‌شناسی تطبیقی به شمار می‌آید. از دیدگاه این نظریه، تمایز مقایسه همزمانی و درون‌زبانی، اعتباری ندارد. تعادل ترجمه‌ای میان زبان‌ها یا لهجه‌هایی - مشتمل بر «خویشاوند» یا «غیر خویشاوند» و با هر نوع رابطه متقابل زمانی، مکانی، اجتماعی و غیر از آن برقرار می‌شود و فرایند ترجمه به انجام می‌رسد (Catford, 1991, p. 42). هر چند، نظریه ترجمه از سال ۱۹۸۳ به‌عنوان مدخلی جداگانه در کتاب‌شناسی بین‌المللی انجمن زبان‌های نوین آمده‌است، اما باید اشاره نمود که عمری طولانی دارد. از آن‌جاکه هر زبان با نظام‌های دلالت‌گر، چه در حال و چه در گذشته، در ارتباط است، پیوندی ذاتی با ترجمه دارد. تا اوایل دهه شصت، زبان‌شناسی اغلب به پژوهش‌های توصیفی اختصاص یافته بود و توصیف‌های گسترده‌ای از دستور زبان‌های گوناگون به دست می‌داد. در حالی که هیچ‌گاه وارد بررسی‌های تطبیقی نمی‌شد و در نتیجه امری که دربرگیرنده ارزش نظری چندانی برای ترجمه باشد، در میان نبود. پیدایش همزمان دو نظریه دستوری، سبب شد تا مسیر نظریه ترجمه به‌صورت چشمگیری تغییر کند، و این نظریه‌ها امروز نیز همچنان مؤثرند. برآمدن این نظریه‌ها را می‌توان با انتشار آثار ساختارهای نحوی چامسکی<sup>۳</sup> در سال ۱۹۷۵، پیام و رسالت ناپیدا<sup>۴</sup> در سال ۱۹۶۰ و جنبه‌های نظریه نحو چامسکی در ۱۹۶۵، همراه دانست (Gentzler, 2015, p. 60).

حوزه دیگری که در آن ترجمه موضوع پژوهش شد، زبان‌شناسی مقابله‌ای بود. زبان‌شناسی مقابله‌ای، مطالعه دو زبان مورد مقایسه بود تا بتواند تفاوت‌های کلی و جزئی میان آن‌ها را مشخص سازد. این حوزه از دهه ۱۹۳۰ به بعد، در آمریکا به یک رشته نظام‌مند پژوهشی تبدیل شد و در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مورد توجه قرار گرفت. آثار و متن‌های ترجمه‌شده، بیشتر داده‌های این

<sup>1</sup> J. P. Vinay

وی استاد و رییس زبان‌شناسی و ترجمه در دانشگاه مونترآل بوده‌است.

<sup>2</sup> J. Darbelnet

وی نظریه پرداز و زبان‌شناس در فن ترجمه بوده‌است.

<sup>3</sup> Noam Chomsky

<sup>4</sup> E. Nida

وی زبان‌شناسی بود که نظریه هم ارزی پویا در ترجمه انجیل را گسترش داد.

پژوهش‌ها را فراهم می‌آورد. رویکرد مقابله‌ای، به شدت، بر مهم‌ترین پژوهش‌های زبانی در ترجمه تأثیر نهاد، از جمله می‌تواند به پژوهش‌های وینی و داربلنه در سال ۱۹۵۸ و کتفورد<sup>۱</sup> در ۱۹۶۵، اشاره کرد. این در حالی است که رویکرد مورد اشاره، نه عوامل فرهنگی-اجتماعی و کاربردشناختی و نه نقش ترجمه را به عنوان کنش ارتباطی به اندازهٔ لازم در نظر نداشته‌است (Munday, 2012, p. 12).

بر این مبنا، در تبیین نظریه وینی و داربلنه، اشاره به این نکته‌ها ضرورت دارد که نخست، نظریه مورد اشاره، همانند بسیاری از نظریه‌های ارزیابی و نقد ترجمه، نظریه‌ای توصیفی است. همچنین کتاب این دو با نام «سبک‌شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی: روش ترجمه» کتابی کهن در حوزه ترجمه‌شناسی به شمار می‌رود. دیگر اینکه، نظریه وینی و داربلنه بر پایهٔ پژوهش‌های مقابله‌ای نگارش شده‌است. وینی و داربلنه در کتاب خود، از دیدگاهی توصیفی، تکنیک‌های گوناگونی را که در اختیار مترجم است، معرفی کرده و نشان داده‌اند که واحد ترجمه واژه نیست. در واقع، به باور آن‌ها، ترجمه فرآیندی پیچیده است که در انجام آن، مترجم ناخودآگاه تکنیک‌های گوناگونی به کار می‌گیرد. آن‌ها به طور کلی، دو روش مستقیم و روش غیرمستقیم برای ترجمه برمی‌شمارند که اولی مشتمل بر سه تکنیک و دومی شامل چهار تکنیک است.

به طور کلی، رویکرد نظام‌مندتر و زبان‌شناختی‌تر در مطالعهٔ ترجمه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ پدیدار شد. برای نمونه، ژان-پل وینی و ژان داربلنه، کتاب «مقایسه سبکی زبان‌های انگلیسی و فرانسوی» را در سال ۱۹۵۸ به نگارش درآوردند. این کتاب، دربرگیرندهٔ مطالعه مقابله‌ای زبان‌های فرانسوی و انگلیسی بود و اصطلاح‌های مهمی را برای توصیف ترجمه ارائه می‌کرد. آلفرد مالبن<sup>۲</sup>، همین بررسی را در مورد زبان فرانسوی و زبان آلمانی انجام داد. ژرژ مونین<sup>۳</sup> در کتابش با نام «مشکلات نظری در ترجمه» در سال ۱۹۶۳، مبحث‌های زبانی ترجمه را بررسی کرد. یوجین نایدا در سال ۱۹۶۴، اصول دستور زایشی رایج چامسکی را به عنوان شالوده نظری کتابش به کار برد. این اصول، در واقع برای راهنمایی عملی مترجم‌های کتاب انجیل طراحی شده بود (Munday, 2012, p. 12-13).

<sup>1</sup> J. C. Catford

زبان‌شناس و استاد اسکاتلندی مشهور است که مقالاتی در زمینه مبانی ترجمه و مشکلات آن به نگارش درآورده است.

<sup>2</sup> Alfred Malbon

<sup>3</sup> George Mounin

مطالعات ترجمه در ادبیات تطبیقی و تجزیه و تحلیل مقابله‌ای ریشه دارد که شامل انتقال پیام بین دو زبان و فرهنگ گوناگون است. ترجمه در واقع، چندزبانه و میان‌رشته‌ای است. ترجمه مشتمل بر شکل‌های گوناگونی است که متناسب با سطح‌های مختلف خوانندگان است. علاوه بر این، شامل سیستم‌های زبانی، زبان‌شناسی، مطالعات ارتباطات و مطالعات فرهنگی است که به رفع مشکلات فرایند ترجمه کمک می‌کند (Pym, 2014, p. 1). نقد ترجمه و یا ارزیابی کیفیت ترجمه، عمری به‌اندازه خود ترجمه دارد. در واقع از دیرباز، بحث کیفیت و چگونگی ارزشیابی ترجمه‌ها همیشه مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته‌است. اینکه چگونه درمی‌یابیم ترجمه خوب کدام است؟ آیا ترجمه‌ها نیازی به ارزشیابی دارند؟ و اینکه چه معیارها و قواعدی برای ارزشیابی ترجمه وجود دارد؟ و بسیاری از پرسش‌های دیگر مطرح است. ارزشیابی ترجمه و مترجم، زمینه مناسبی را فراهم می‌آورد تا رقابت مثبت در جهت بهبود کیفیت ترجمه بیشتر شود، در ترجمه‌ها روند افزایشی به وجود آید و در نهایت کیفیت ترجمه‌ها بالاتر رود (Farzaneh & Rashidi, 2010, p. 59).

همان‌گونه که اشاره شد، از دهه ۱۹۷۰ به بعد، الگوها و نظریه‌های گوناگونی برای نقد ترجمه و یا ارزیابی کیفیت آن ارائه شده‌است که در این میان، نظریه وینی و داربلنه بسیار اهمیت دارد. وینی و داربلنه، به تجزیه و تحلیل و مقایسه متن‌ها برای بررسی تغییرات ایجادشده در متن ترجمه‌شده پرداختند. اندیشه تغییر متن‌های ترجمه‌شده، نخستین بار به وسیله جان کنفورد با نام «نظریه زبانی ترجمه» در سال ۱۹۶۵ مطرح شد. این مدل، به شرح تغییرات زبان‌شناسی ایجاد شده در یک ترجمه ویژه می‌پردازد (Ni, 2009, p. 1).

در این پژوهش، به بررسی بخشی از ترجمه رمان الشحاذ بر اساس الگوی وینی و داربلنه می‌پردازیم. دلیل انتخاب این رمان، ادبیات و شگردهای روایی و مفاهیم و بن‌مایه‌های آن است. همچنین این رمان به سبب شناخت جایگاهی که «محفوظ» در ادبیات داستانی عرب به دست آورده‌است، اهمیت ویژه‌ای دارد. بر این مبنای پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که «کدام یک از هفت رویه (فرض‌گیری، گرت‌برداری، تحت‌اللفظی، جابه‌جایی، تغییر بیان، معادل‌یابی و همانندسازی) مورد نظر وینی و داربلنه در ترجمه رمان الشحاذ، بیشتر به کار گرفته شده‌است؟». همچنین، فرضیه پژوهش که در پیوند با پرسش مقاله حاضر است، از این قرار است که «با توجه به تفاوت‌های فرهنگی که بین دو زبان وجود دارد، پیش‌بینی می‌شود، مترجم برای از بین بردن خلأ ناشی از تفاوت فرهنگی، به جای ترجمه تحت‌اللفظی از آوردن معادل مناسب برای ترجمه جملات استفاده کند تا برای خواننده زبان مقصد بیشتر قابل فهم باشد.»

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در پیوند با نقد و بررسی متن‌های ترجمه‌شده با استفاده از نظریه‌های گوناگون، انجام شده‌است. این در حالی است که تاکنون پژوهشی در ارتباط با اعمال نظریه وینی و داربلنه بر روی متون ترجمه‌شده از عربی به فارسی انجام نشده‌است. همچنین ترجمهٔ رمان «الشحاذ» تاکنون مورد نقد و بررسی قرار نگرفته‌است. هر چند جوان‌فرد (Javanfard, 2014) در پایان‌نامهٔ «بررسی و تحلیل هنجارهای ترجمه در تبدیل‌های ترجمه‌ای نظریات کتفورد و وینی و داربلنه، مطالعه موردی: قلعه حیوانات» به پیاده‌سازی روش وینی و داربلنه در بررسی ترجمه قلعه حیوانات به فارسی پرداخته‌است. وی در این پژوهش دو نظریهٔ تبدیل‌های ترجمه‌ای که متعلق به کتفورد و وینی و داربلنه هستند، انتخاب کرده‌است. همچنین، مطالعه موردی قلعهٔ حیوانات نوشتهٔ جورج ارول<sup>۱</sup> را برای اجرائی نمودن و تحلیل تئوری‌ها بر روی مطالعه موردی در نظر گرفته‌است. وی به این نتیجه دست یافته‌است که به دلیل جامعیت نظریهٔ وینی و داربلنه، هنجارها در آن بیشتر رعایت شده‌اند. همچنین، به دلیل در نظر گرفتن عوامل فرهنگی در نظریه وینی و داربلنه، میزان توقع گیرنده‌های متن ترجمه شده در مقایسه با نظریه دیگر به طور نسبی، بیشتر برآورده شده‌است.

## ۲.۱. وینی و داربلنه

ژان داربلنه (۱۹۹۰-۱۹۰۴) در پاریس به دنیا آمد و در دانشگاه سوربن به تحصیل پرداخت. وی پیش از رفتن به کانادا از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۶ زبان فرانسه را در دانشگاه مک‌گیل آموخت. او به مدت سه سال، کلاس‌های شبانه ترجمه برگزار کرد و بعدها در دانشگاه بودین و لاوال به تدریس پرداخت. ژان پل وینی (۱۹۹۹-۱۹۱۰) در پاریس به دنیا آمد و زبان انگلیسی را در دانشگاه سوربن آموخت. سپس، موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته آواشناسی و علوم زبانی در دانشگاه لندن در سال ۱۹۳۷ شد. در سال ۱۹۴۶ به کانادا رفت و به عنوان استاد و رئیس گروه زبان‌شناسی و ترجمه در دانشگاه مونترآل مشغول به کار شد. او علاوه بر پژوهش در زمینه ترجمه، یک فرهنگ واژگان دوزبانهٔ کانادایی در سال ۱۹۶۲ به چاپ رسانید.

وینی و داربلنه این گونه استدلال می‌کنند که نویسندگی یک وضعیت پسااستعماری است که باید بر دیگران پیروز شد. هدف از مقایسه سبک‌ها، تولید مجموعهٔ کاملی از روش‌ها است. بنابراین وینی و داربلنه بر این باورند، مترجمی که می‌خواهد یک متن کاملاً طبیعی خلق کند، باید از این

<sup>1</sup> George Orwell

روش‌های مشابه استفاده کند. نام کتاب آن‌ها «روش ترجمه»<sup>۱</sup> است. در این کتاب، اشاره می‌شود حتی اگر همه این روش‌های ترجمه به وسیله مترجم استفاده نشود، مقایسه علوم بیانی با یکدیگر، یکی از راه‌های ترجمه به شمار می‌آید. از این روش ترجمه با نام «مجموعه‌ای از قوانین حاکم بر ایجاد یک ترجمه کامل» یاد می‌شود (Pym, 2014, p. 3). وینی و داربلنه با کاربرد بسیار «قرض‌گیری»<sup>۲</sup>، «گرت‌برداری»<sup>۳</sup>، «جاب‌جایی»<sup>۴</sup> و «صراحت»<sup>۵</sup> و همچنین بر اساس ساختار زبان فرانسوی، روش‌های ترجمه خود را بنا نهادند. آن‌ها در نظریه خود از پایان‌نامه جورج پانتون<sup>۶</sup> که در سال ۱۹۵۴ نوشته شده، استفاده می‌کنند که در این اثر جاب‌جایی، یکی از اصول مهم در ترجمه به حساب می‌آید. این دو به روشنی بیان می‌کنند که اصطلاح «تغییر بیان»<sup>۷</sup> را از پژوهشگری به نام پانتون گرفته‌اند. بنابراین آن‌ها زبان‌شناسانی هستند که به دلیل برنامه‌های کاربردی خود و ضرورت آموزش مترجمان و توسعه مطالعات ترجمه به دقت زبان‌ها را مورد بررسی قرار دادند. کتاب آن‌ها در سال ۱۹۶۰ چاپ شد و در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۲ و ۱۹۷۷ دوباره تجدید چاپ گردید. این کتاب در سال ۱۹۹۵ توسط جان ساگر و م. ج. هامل به زبان انگلیسی ترجمه شد. روش‌های ترجمه آن‌ها از روش‌های مشابه زیادی الهام گرفته که باید آن را مورد بررسی قرار داد.

در مرکز جدول روش ترجمه آن‌ها، روش «تحت‌اللفظی» قرار دارد. در صورتی که مترجم‌ها نتوانند از این روش استفاده کنند، یا باید به سمت بالا حرکت کنند (به این معنا که از روش‌های متناسب با ترکیب عناصر زبان مبدأ بهره برد) و یا به سمت پایین بروند (به این معنا که از روش‌های متناسب با عناصر یا فرهنگ زبان مقصد استفاده کنند). حرکت رو به بالا (ترجمه بر اساس عناصر زبان مبدأ) «ترجمه مستقیم» و حرکت رو به پایین (ترجمه بر اساس عناصر زبان مقصد)، «ترجمه غیر مستقیم» (که ترجمه دشوارتری است) نامیده می‌شود. هر یک از این هفت رویه، با نمونه‌هایی در سه سطح واژگان، نظم و پیام آورده شده‌اند. ماربلنک<sup>۸</sup> (Malblanc, 1963) نیز همین جدول را بازتولید کرده‌است، اما وی، بر خلاف وینی و داربلنه که زبان انگلیسی و فرانسوی را مبنای پژوهش خود قرار داده‌اند، به مقایسه دو زبان فرانسوی و آلمانی می‌پردازد (Pym, 2014, p. 3). (Malblanc, 1963, quoted from;

<sup>1</sup> Méthode de traduction

<sup>2</sup> borrowing

<sup>3</sup> calque

<sup>4</sup> transposition

<sup>5</sup> explicitation

<sup>6</sup> G. Panton

<sup>7</sup> modulation

<sup>۸</sup> وی زبان‌شناس، دانشمند و متخصص فرانسوی در زبان آلمانی بود.

## ۲.۲. محمد دهقانی

محمد دهقانی، عضو پیشین هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران است. او علاوه بر چاپ مقاله‌ها در مجله‌های شناخته‌شدهٔ ادبی و انجام راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های تحصیلی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی، آثار بسیاری را به نگارش درآورده است. از آثار وی می‌توان به «وسوسه عاشقی»، «پیشگامان نقد ادبی در ایران» و ترجمه‌هایی همچون «سیر آفاق»، «گدا» نجیب محفوظ، «روشنفکران ایران در قرن بیستم»، «اسطوره»، «چین و ژاپن» و «به سوی آزادی» از کازانتزاکیس اشاره کرد. دهقانی به دلیل ترجمه آثار نیکوس کازانتزاکیس دیپلم افتخار انجمن ادبی پاراناسوس یونان را هم دریافت کرده است. وی همچنین به عنوان استاد مدعو در دانشگاه پکن مشغول تدریس بوده است.

رمان الشحاذ (گدا) یکی از شاهکارهای نجیب محفوظ، نویسنده سرشناس مصری است. روایت نسبتاً پیچیده، روش‌های نوین داستان‌نویسی، ویژگی چندآوایی و مواردی از این قبیل، همگی سبب شده است تا این رمان آینه‌ای تمام‌نما از سومین مرحله زندگی ادبی نجیب محفوظ باشد. به گونه‌ای که از این زمان با نام مرحله رئالیسم فلسفی یا مرحله نیمه‌روانشناختی یاد می‌کنند. در این رمان عینیت و واقعی‌سازی، که اصلی‌ترین ویژگی رمان‌های مراحل نخستین مسیر ادبی محفوظ به‌شمار می‌آید، جای خود را به ذهنیت و انتزاعی‌سازی می‌دهد. این همان ویژگی‌ای است که منجر به چندآوایی شدن این رمان در مقایسه با رمان‌های تک‌آوای پیشین گردیده است (Baghjari & Bashiri, 2016, p.24). با این همه، رمان مورد اشاره، هم به پشتوانهٔ ادبیات و شگردهای روایی و هم به دلیل مفاهیم و بن‌مایه‌هایش، یعنی دربرگیرندگی بر نقد حال روشنفکران جهان سوم در برزخ سنت و مدرنیته، و همچنین به سبب شناخت جایگاهی که «محفوظ» در ادبیات داستانی عرب به دست آورده است، اهمیت ویژه‌ای دارد.

## ۳. الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه وینی و داربلنه

دو پژوهشگر فرانسوی با نام ژان پل وینی و ژان داربلنه به بررسی جنبه‌های زبان‌شناسی ترجمه پرداختند. حوزهٔ مطالعات ترجمه چندان قدیمی نیست و به گفتهٔ وینی و داربلنه نقل با ادبیات تطبیقی پیوند می‌خورد. با نگاهی به اثر وینی و داربلنه می‌توان دریافت که اصطلاح مقایسه زبان‌شناسی‌ها، اصطلاح شایسته‌ای در این زمینه است. زیرا آن‌ها با این اصطلاح، تفاوت‌های دو زبان را مورد بررسی قرار داده و سپس فهم خود از این تفاوت‌ها را بیان کرده‌اند. در حالی که پژوهشگران دیگر، به بررسی تفاوت دو زبان برای آگاهی از رابطه بین آن‌ها پرداختند (Merkle,



1996, p. 3). تلاش آن‌ها در حوزه مطالعات ترجمه، با کتاب «مقایسه روش ترجمه زبان انگلیسی و فرانسوی»<sup>۱</sup> به بیشترین اندازه خود رسید. این کتاب پس از چهار دهه، با نام «مقایسه سبک‌شناسی فرانسوی و انگلیسی: روش‌هایی برای ترجمه»، به زبان انگلیسی ترجمه شد. در واقع، ارزش ترجمه این کتاب به انگلیسی بعد از نیم قرن همچنان روشن است. در این کتاب، وینی و داربلنه هفت روش ترجمه را معرفی می‌کنند که در ادامه به این هفت روش اشاره می‌شود (همان، ۳).

وینی و داربلنه به تجزیه و تحلیل سبک‌شناختی مقابله‌ای بین زبان‌های فرانسوی و انگلیسی پرداختند. آن‌ها با ترجمه متن‌های این دو زبان و با در نظر گرفتن تفاوت‌های آن‌ها، «استراتژی‌ها» و «رویه‌های» ترجمه‌ای متفاوتی را مشخص نمودند. گاهی، این اصطلاح‌ها در نوشتن مطالب مربوط به ترجمه با یکدیگر اشتباه می‌شوند. استراتژی در مفهوم تکنیکی، جهت‌گیری کلی مترجم است (به‌طرف ترجمه «آزاد» یا «تحت‌اللفظی»، به‌طرف متن مقصد یا متن مبدأ، به‌طرف بومی‌سازی یا بیگانه‌سازی). در صورتی که رویه، تکنیک یا روش ویژه‌ای است که مترجم در جایگاه ویژه‌ای از متن آن را به کار می‌برد (برای نمونه، قرض‌گیری یک واژه از زبان مبدأ، افزودن توضیح یا آوردن پانویس در متن مقصد) (Munday, 2012, p. 106).

دو استراتژی موردنظر وینی و داربلنه عبارت‌اند از ترجمه مستقیم و ترجمه غیرمستقیم که شبیه به تقسیم‌بندی «تحت‌اللفظی در برابر آزاد» است. در واقع اصطلاح «تحت‌اللفظی» به وسیله نویسندگان به‌عنوان هم‌معنایی برای ترجمه مستقیم ارائه شده‌است. از دیدگاه وینی و داربلنه، تکنیک‌های ترجمه، مشتمل بر هفت رویه است. همچنین کتاب آن‌ها، کتابی «کلاسیک» در حوزه ترجمه‌شناسی به شمار می‌رود که تکنیک‌های پیشنهادی نگارندگان با نام «تکنیک‌های هفت‌گانه ترجمه» معروف شده‌است. این تکنیک‌ها به ترتیب عبارتند از قرض‌گیری، ترجمه تحت‌اللفظی، گزین‌برداری، جابه‌جایی، تغییر بیان، معادل‌یابی و همانندسازی. البته ماندی (Munday, 2012)، در مطالعه موردی بر اساس روش وینه و داربلنه به مبهم بودن این مرزبندی در برخی موارد اشاره می‌کند که در واقع اولین مشکل موجود در کار با روش آن‌ها نیز است (همان، ۶۶).

### ۳.۱. قرض‌گیری<sup>۲</sup>

واژه زبان مبدأ مستقیماً وارد زبان مقصد می‌شود. قرض‌گیری ساده‌ترین روش ترجمه است و معمولاً برای پر کردن جاهای خالی در ترجمه مورد استفاده قرار می‌گیرد. مترجم‌ها معمولاً علاقه دارند از واژه‌های جدیدتری برای قرض‌گیری بهره‌برند و این روش باعث ورود واژه‌های بسیاری

<sup>1</sup> Stylistique comparée du français et de l'anglais: méthode de traduction

<sup>2</sup> borrowing

از زبان مبدأ به زبان مقصد می‌شود. در زبان‌هایی که خط نوشتاری متفاوتی دارند، در هنگام قرض‌گیری باید آوانویسی شوند. چنان‌چه پر پایهٔ قرض‌گیری، واژه‌های ریاضی، علمی و حوزه‌های دیگر از عربی به زبان لاتین انجام شد و پس از مدتی به زبان‌های دیگر راه یافت (Munday, 2012, p. 107). قرض‌گیری معمولاً در دو وضعیت به کار می‌رود: الف) در زبان مقصد، معادلی برای اشاره به شیء یا مفهوم مبدأ وجود ندارد. مانند قبله، حج، تیمم. ب) در زبان مقصد، معادلی نزدیک وجود دارد، اما مترجم مایل است رنگ و بوی خارجی به ترجمه خود بدهد. مانند وضو «ablution»، خمس «the fifth».

### ۳.۲. گزیده بردای<sup>۱</sup>

این «یک گونهٔ ویژهٔ قرض‌گیری» است. گزیده برداری عبارت است از ترجمه اجزا یا واژه‌هایی که یک ترکیب یا اصطلاح یا حتی جمله‌ای را در زبان بیگانه تشکیل می‌دهند، مانند: «او به مذهب امام مالک می‌رفت» که ترجمه جزء به جزء این عبارت عربی است: «کان یدهب مذهب الإمام مالک». در این ترجمه گفته یا ساخت زبان مبدأ با ترجمه تحت‌اللفظی منتقل می‌شود. آذرنوش (Azarnoush, 1996, p. 46) بر این باور است که گزیده برداری از قرن پنجم هجری مابین مترجم‌ها و نویسندگانی ایرانی بسیار رواج یافت. این درحالی است که هر چه به زمان جلوتر می‌رویم، تعداد گزیده‌ها بیشتر می‌شود. سپس اندک‌اندک در ذهن افراد جای می‌گیرد و مردم ناخودآگاه آن‌ها را در گفته‌ها و نوشته‌ها به کار می‌برند. وی اشاره می‌کند که می‌توان صدها پاره گفته و ترکیب فارسی را یافت که از ترکیب واژه‌های عربی گزیده برداری شده‌اند. احتمال دارد، ترکیب‌های «ای کاش، ای دریغ، و گرنه، بنابراین، شکایت برداشتن و موارد مشابه» به ترتیب از پاره گفته‌های عربی یا لیت، واحسرتاه، و إلا، بناء علی هذا، رفع الشکوی تقلید شده باشند. به باور وینی و داربلنه (Paul Vinay & Darbelnet, 1995) هم قرض‌گیری و هم گزیده برداری، اغلب به صورت کامل در زبان مقصد تلفیق می‌شود، هر چند گاهی با برخی تغییرات معنایی روبه‌رو هستند که این امر می‌تواند آن‌ها را به واژه‌های هم‌ریشه غیر واقعی تبدیل کند (Paul Vinay & Darbelnet, 1995, quoted from Munday, 2012, p. 108). مانند:

۱. الف) آسمان‌خراش: sky scraper

ب) روی کسی حساب کردن: to count on sb

ج) هنر برای هنر: art for art

<sup>1</sup> calque

### ۳.۳. ترجمه تحت اللفظی<sup>۱</sup>

این گونه ترجمه، ترجمه‌ای مستقیم است. در واقع ترجمه «واژه به واژه» است که وینی و داربلنه آن را رایج‌ترین گونه ترجمه در بین زبان‌های هم‌خانواده و هم‌فرهنگ به شمار می‌آورند. ترجمه تحت اللفظی در واقع تجویز این نویسندگان برای ترجمه خوب است. به این معنا که فقط بر پایه الزامات ساختی و فرازبانی و با توجه به اینکه معنا کاملاً حفظ شود، می‌توان تحت اللفظی بودن را در نظر نگرفت (Munday, 2012, p. 108). به باور وینی و داربلنه (Paul Vinay & Darbelnet, 1995)، مترجم می‌تواند ترجمه تحت اللفظی را با توجه به دلایل دستوری، نحوی یا کاربردشناختی، غیر قابل پذیرش بداند. آن‌ها معتقدند این تکنیک برای ترجمه بین دو زبان هم‌خانواده و هم‌فرهنگ، بسیار کاربرد دارد و آن را در ارائه ترجمه مناسب می‌دانند، مگر در موقعیت‌هایی که ترجمه تحت اللفظی: الف) معنای دیگری به دست دهد. ب) معنی نداشته باشد. ج) به دلایل ساختاری ناممکن باشد. د) در حوزه تجربیات فرازبانی زبان مقصد، معادلی نداشته باشد. ه) با چیزی در سطحی متفاوت از زبان (مقصد) برابر باشد.

با توجه به این که زبان‌های شرقی و غربی (مانند عربی و انگلیسی) اغلب هم‌خانواده و هم‌فرهنگ نیستند، احتمال دارد به کارگیری این تکنیک در مورد آن‌ها به نتایج قابل قبولی منجر نشود. برای نمونه:

2. Let's suppose that you are in position of a parent.

اجازه بدهید فرض کنیم که شما در موقعیت یک پدر یا مادر هستید. (به جای: فرض کنید که شما پدر یا مادر هستید/ خودتان را به جای پدر یا مادر بگذارید).

### ۳.۴. جابه‌جایی<sup>۲</sup>

این همان تغییر یک جزء کلام به جزء کلام دیگر است (تغییر مقوله دستوری هر واژه. برای نمونه، اسم به جای فعل) بدون ایجاد تغییر در معنی. جابه‌جایی می‌تواند: الف) اجباری باشد. ب) اختیاری باشد. مترجم باید براساس اینکه مفهوم جمله چگونه بهتر منتقل می‌شود، تصمیم بگیرد که آیا در بخشی از جمله جابه‌جایی صورت دهد یا اینکه اجازه دهد نکته‌های سبکی دقیق و ظریف ویژه‌ای دست‌نخورده باقی بماند. وینی و داربلنه جابه‌جایی را به عنوان احتمالاً متداول‌ترین تغییر ساختی انجام گرفته توسط مترجمان، در نظر می‌گیرند (Munday, 2012, p. 109). برای نمونه:

3. In the absence of definite information.

<sup>1</sup> literal translation

<sup>2</sup> transposition

الف) در مواردی که اطلاعات قطعی در اختیار ندارید. ب) در غیاب اطلاعات قطعی. همان‌طور که مشاهده می‌شود در هر دو ترجمه، مترجم صورت مفرد «information» را به صورت جمع ترجمه کرده‌است؛ اما در ترجمه نخست، گروه را به بند تبدیل کرده، اما در ترجمهٔ دوم، همان شکل مبدأ را حفظ کرده‌است.

### ۳.۵. تغییر بیان<sup>۱</sup>

تغییر بیان، باعث تغییر در معناشناسی و زاویهٔ دید زبان مبدأ می‌شود که می‌تواند اجباری یا اختیاری باشد. تغییر بیان، رویه‌ای است که از دیدگاه وینی و داربلنه زمانی محقق می‌شود که ترجمه تحت‌اللفظی و یا حتی جابه‌جایی، به گفتهٔ دستوری درستی منجر شود، اما آن ترجمه در زبان مقصد نامناسب به شمار آید، از این نوع ترجمه استفاده می‌شود. وینی و داربلنه بسیار به تغییر بیان، به عنوان سنگ محک یک مترجم شایسته، اهمیت می‌دهند. در صورتی که جابه‌جایی فقط نشان‌دهنده چیرگی کافی بر زبان مقصد است (Munday, 2012, p. 109). تجربه نشان داده است که در فرایند ترجمه غیر مستقیم، برخی تغییر بیان‌های ثابت از تغییر بیان‌های آزاد گرفته می‌شوند (Paul Vinay & Darbelnet, 1995, p. 37).

آن‌ها، به ده زیرمجموعه در پیوند با تغییر بیان در سطح پیام اشاره می‌کنند:

۱. تبدیل پاره گفته‌ای با دو جزء منفی ساز به پاره گفتهٔ مثبت و برعکس مانند:  
4. He is by no means stingy. آدم کاملاً دست و دل بازی است.
۲. بیان جزء به جای کل. مانند:  
5. Every night, he prayed until late at night.  
هر شب تا پاسی از شب به خواندن نماز مشغول بود.
۳. تبدیل وجه مجهول به معلوم و برعکس؛ البته خزاعی فر (KhazaeeFar, 1992) معتقد است که این مورد باید در زیرگروه «تغییر صورت» بررسی شود. برای نمونه:  
6. Cities are allowed to become almost inhabitable because of heavy traffic.  
(جامعه) اجازه می‌دهد که شهرهای بزرگ به دلیل تراکم آمدو شد اتومبیل‌ها تقریباً غیرقابل سکونت شود.
۴. استفاده از اسم معنی به جای اسم ذات. برای نمونه:  
7. to sleep in the open. در فضای باز خوابیدن
۵. بیان علت به جای معلول مانند:

<sup>1</sup> modulation

8. You are quite a stranger. دیگر سری به ما نمی‌زنید.  
۶. بیان جزئی به جای جزئی دیگر. برای نمونه:
9. He read the book from cover to cover. کتاب را ورق به ورق خواند.  
۷. جابه‌جا کردن واژه‌ها. مانند:
10. emergency exit. خروج اضطراری  
۸. استفاده از اسم مکان به جای اسم زمان.  
۹. تغییر نماد.  
۱۰. پر کردن خلأ ارتباطی میان دو فرهنگ (Khazaefar, 1992, p. 23).

### ۳.۶. تعادل<sup>۱</sup>

وینی و داربلنه این اصطلاح را برای اشاره به مواردی به کار می‌برند که زبان‌ها یک موقعیت یکسان را با ابزار ساختاری یا سبکی گوناگونی توصیف می‌کنند (Munday, 2012, p. 111). در این روش، به جای ترجمه یک جمله یا پاره گفته، معادل آن در زبان مقصد بیان می‌شود. به این دلیل که برخی پاره گفته‌ها، با روش تحت‌اللفظی یا گره‌برداری قابل ترجمه نیستند و باید معادل آن جمله را در زبان دیگر جستجو کرد (Paul vinay & Darbelnet, 1995, p. 38). تعادل به ویژه در ترجمه اصطلاح‌ها و ضرب‌المثل‌ها مفید است.

9. Practice makes perfect. کار نیکو کردن از پر کردن است.  
10. Once upon a time. یکی بود، یکی نبود.

### ۳.۷. همانندسازی<sup>۲</sup>

افراطی‌ترین روش ترجمه، همانندسازی است. در این روش مترجم باید یک موقعیت جدید ایجاد کند که معادل عبارت زبان مبدأ باشد. این روش گونه خاصی از روش تعادل در ترجمه است و بیشتر برای ترجمه نام کتاب‌ها یا فیلم‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. تغییر ارجاع فرهنگی، هنگامی رخ می‌دهد که یک موقعیت در فرهنگ مبدأ در فرهنگ مقصد وجود ندارد (Munday, 2012, p. 111). در نمونه زیر از این روش استفاده شده است:

11. she was beautiful as arose او مثل ماه بود.

<sup>1</sup> equivalence

<sup>2</sup> adaptation

#### ۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر آن است تا با تبیین نظریه وینی و داربلنه در ارزیابی ترجمه، نخست به تشریح نظری این نظریه بپردازد. سپس این مقاله می‌کوشد در راستای بررسی عملی نظریه مورد اشاره، تکنیک‌های هفت‌گانه مطرح شده در این نظریه را با استخراج نمونه‌های تطبیقی از ترجمه کتاب «الشحاذ» نجیب محفوظ شرح دهد. در این پژوهش ۳۰ صفحه نخست ترجمهٔ محمد دهقانی از رمان نجیب محفوظ با نام «گدا»، بر پایهٔ تطبیق دقیق با اصل متن مورد بحث و بررسی قرار گرفت. همچنین برای هر یک از تکنیک‌های مورد اشاره، نمونه‌هایی تطبیقی از متن ترجمه استخراج شد و مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت.

#### ۴.۱. داده‌های پژوهش

متنی که در پژوهش حاضر، به‌منزله پیکره زبانی، مورد بررسی قرار می‌گیرد، ترجمه رمان «الشحاذ» اثر نجیب محفوظ است که به وسیلهٔ محمد دهقانی ترجمه شده است. این ترجمه، بر اساس الگوی ترجمه وینی و داربلنه (یعنی هفت رویه که عبارتند از قرض‌گیری<sup>۱</sup>، گرت‌برداری<sup>۲</sup>، ترجمه تحت‌اللفظی<sup>۳</sup>، جابه‌جایی<sup>۴</sup>، تغییر بیان<sup>۵</sup>، معادل‌یابی<sup>۶</sup> و همانندسازی<sup>۷</sup>) که با متن مورد نظر همسویی داشت، تجزیه و تحلیل شده است. در این پژوهش ۳۰ صفحه از رمان اشاره‌شده را به دقت مورد بررسی قرار داده‌ایم.

#### ۵. بررسی ترجمه بر اساس الگوی وینی و داربلنه

نگارندگان در بررسی ترجمه دهقانی در پیوند با این تکنیک، مثال‌هایی تطبیقی استخراج کرده و به عنوان نمونه ارائه می‌دهند. هر چند شواهد بیشتری می‌توان از لابه‌لای ترجمه استخراج کرد. بر این مبنای نمونه‌های زیر برای نمونه انتخاب شده است.

#### ۵.۱. قرض‌گیری

۱۲. اجل، انه مرض برجوازی ان جاز لی ان استعیر اصطلاحاً حدیثاً مما یستعمل فی جرائدنا (Mahfouz, 1965, p. 314):

<sup>1</sup> borrowing

<sup>2</sup> calque

<sup>3</sup> literal translation

<sup>4</sup> transposition

<sup>5</sup> modulation

<sup>6</sup> equivalence

<sup>7</sup> adaptation

- بله اگر بخواهم از اصطلاح جدیدی که روزنامه‌ها به کار می‌برند استفاده کنم باید بگویم تو به مرض بورژوازی مبتلا شده‌ای (Mahfouz, 2004, p. 14).
۱۳. الی جانبها وقف مصطفى الميناوی فی بدلتہ الشکرکسکین (Mahfouz, 1965, p. 316): کنار او مصطفى میناوی در کت شلوار شارکسکین خود ایستاده (Mahfouz, 2004, p. 20).
۱۴. اعتمدت بئینه بکوعها علی کتف تمثال برونزی (Mahfouz, 1965, p. 316): بئینه آرنجش را بر شانه‌ی مجسمه‌ای برونزی تکیه داده بود (Mahfouz, 2004, p. 20).
۱۵. ولم یبق من امل الا الضمیر المعذب (Mahfouz, 1965, p. 317): و از آرزو جز وجدان معذب هیچ نمانده است (Mahfouz, 2004, p. 21).
۱۶. وکانت زینب ترأقب السفرجی من خلال الیدیکور المقوس (Mahfouz, 1965, p. 317): زینب از خلال دکور رواق دار مراقب خدمتکار بود (Mahfouz, 2004, p. 22).
۱۷. و اعلن عمر انه سیکتفی بشریحه من الصدر الدجاج و فاکهه و کاس واحدہ من الویسکی (Mahfouz, 1965, p. 317): عمر اعلان کرد که به یک تکه سینه مرغ و میوه و یک گیلان ویسکی بسنده می‌کند (Mahfouz, 2004, p. 22).
۱۸. علیک بالرجیم و الریاضه (Mahfouz, 1965, p. 317): رژیم بگیر و ورزش کن (Mahfouz, 2004, p. 23).

## ۲.۵. گزوه برداری

۱۹. انا لا اتفلسف طبعاً (Mahfouz, 1965, p. 315): البته فلسفه‌بافی نمی‌کنم (Mahfouz, 2004, p. 15).
۲۰. یالسوء الحظ (Mahfouz, 1965, p. 316): چه بدبختی‌ای (Mahfouz, 2004, p. 23).
۲۱. ماذا نطلق علیه؟ الاصلع الصغیر (Mahfouz, 1965, p. 316): اسمش را چی گذاشته بودیم؟ کچلک (Mahfouz, 2004, p. 23).

## ۳.۵. ترجمه تحت اللفظی

۲۲. اللعنه، انی اشم فی الجو شیئا خطیرا (Mahfouz, 1965, p. 324): لعنت، از هوا بوی عجیبی به مشام می‌خورد (Mahfouz, 2004, p. 25).
- در این عبارت، اللعنه را به همان شکل ترجمه کرده به جای: لعنت به روزگار / لعنت به این شانس.
۲۳. عثرت علی الحل السحری لجمیع المشاکل (Mahfouz, 1965, p. 325): برای همه مشکلات راه‌حلی سحرانگیز یافته‌ام (Mahfouz, 2004, p. 26).

همان‌طور که مشاهده می‌شود در نمونه‌های بالا، مترجم کاملاً به صورت تحت‌اللفظی واژگان را در مقابل یکدیگر قرار داده‌است. به نظر می‌رسد، مترجم به ساخت هم‌نشینی واژگان در زبان فارسی توجهی نداشته و از باهم آیی «الحل السحری» ترجمه‌ای تحت‌اللفظی ارائه کرده که کمی مبهم و دیرفهم است.

۲۴. تذکر ما تشاء من المسرحيات أو دواوين الشعر (Mahfouz, 1965, p. 324): از نمایش‌نامه‌ها یا دیوان‌های شعر، هر چه می‌خواهی به یاد بیار (Mahfouz, 2004, p. 25).

مترجم در اینجا «ما»ی موصوله و «من» بیانیه را با همان ساختار عربی در زبان فارسی وارد کرده و توجهی به کاربرد این ساختار در زبان فارسی نداشته‌است.

این سه مرحله‌ای که مرور شده و مثال‌هایی برای آن ارائه شد، روش‌های ترجمه مستقیم به شمار می‌روند. این موارد به‌تنهایی راه حل‌های مناسبی برای ترجمه نیستند. زیرا گاهی امکان ترجمه جمله‌ها به صورت تحت‌اللفظی فراهم نیست، راه حل‌های دیگری برای آن‌ها وجود دارد که در ادامه به چهار فرایند اشاره می‌شود:

#### ۵. ۴. جابه‌جایی

۲۵. فلنؤجل حديث الذكريات حتى نظمئن عليك (Mahfouz, 1965, p. 313): یاد گذشته‌ها رو فعلاً کنار می‌گذاریم تا مطمئن شویم که حالت خوب است (Mahfouz, 2004, p. 11).

در این جا، شبه‌جمله (علیک)، به صورت عبارت فعلی (حالت خوب است) ترجمه شده‌است. ۲۶. یخيل الی آنک مصاب بعقده الدجاج (Mahfouz, 1965, p. 317): انگار تو عقده مرغ داری (Mahfouz, 2004, p. 23). در این جمله، فعل «یخیل الی» به صورت یک اسم (انگار) ترجمه شده است.

۲۷. عزیزى، مصطفى قرات تعليقاتك الفنيه الأسبوعيه (Mahfouz, 1965, p. 325): مصطفای عزیزم، یادداشت‌های هنری هفتگی‌ات را خواندم (Mahfouz, 2004, p. 29). در این جا، بدل را به صورت وصفی ترجمه کرده‌است: عزیزى، مصطفى ← مصطفای عزیزم.

#### ۵. ۵. تغییر بیان

۲۸. الحق انه نتیجه لذلك الخمود ماتت رغبتى فى العمل بحال لا تصدق (Mahfouz, 1965, p. 314): راستش به خاطر همین سستی و بی‌حالی دیگر رغبتی به کار ندارم طوری که باورم نمی‌شود (Mahfouz, 2004, p. 12).



در این نمونه فعل مجهول سوم شخص «لاتصدق» که به صورت متکلم وحده ترجمه شده است، شایسته بود به این صورت ترجمه شود: «طوری که باورت نمی‌شود».

۲۹. هذا الشعور المخجل لا يعانیه الا الفنان المنبوذ من الزمن (Mahfouz, 1965, p. 316): این احساس شرم فقط به هنرمندی دست می‌دهد که زمانه او را بر سر راه افکنده است (Mahfouz, 2004, p. 25).

در این جمله، فعل به صورت مثبت ترجمه شده است. به این معنا که منفی به مثبت تبدیل شده است. از سوی دیگر، «الزمن» در ترجمه به صورت فاعل وارد شده است و «منبوذ» در فارسی به معنای طرد شدن است که در این جا (برسر راه افکنده) ترجمه شده است.

۳۰. ما اجمل ان تحل مشاكلنا الخطيره بحبه بعد الاكل او ملعقه قبل النوم (Mahfouz, 1965, p. 314): چه خوب بود اگر می‌توانستیم مشکلات بزرگان را با یک قرص بعد از غذا یا یک قاشق شربت قبل از خواب حل کنیم (Mahfouz, 2004, p. 12).

در این مثال، فعل مجهول «ان تحل» به صورت معلوم «حل کنیم» ترجمه شده است.  
۳۱. كانك مدير شركة من العهد الخالي و لا ينقصك الا السيجار (Mahfouz, 1965, p. 314): انگار مدیر یکی از این شرکت‌های عهد بوقی، فقط یک سیگار کم داری (Mahfouz, 2004, p. 10).

در این نمونه، پاره گفته‌ای با دو جزء منفی ساز «لا ينقصك الا السيجار» به صورت مثبت «فقط یک سیگار کم داری» ترجمه شده است.

## ۶.۵. تعادل

۳۲. فاقنتع بان الحال اخطر منان اسكت عنها (Mahfouz, 1965, p. 314): فکر کردم وضع بدتر از آن است که دست روی دست بگذارم (Mahfouz, 2004, p. 17).

در این نمونه، مترجم پاره گفته «فکر کردم» را به جای «فاقنتع» برگزیده است. مهم‌تر، اینکه «أسکت عنها» را به صورت «دست روی دست گذاشتن» ترجمه کرده که ترکیبی رایج در زبان فارسی بوده و برای بیان هدف به کار می‌رود.

۳۳. ليست قضيه اهولها لمضاعفة الاجر (Mahfouz, 1965, p. 314): اگر چیزی بود گنده‌اشمی کردم تا بیشتر سرکیسه‌ات کنم (Mahfouz, 2004, p. 13).

در این جا مترجم برای ترکیب «مضاعفة الأجر» از اصطلاح «سرکیسه کردن» در فارسی بهره برده است.

۳۴. ید واحده لا تصفق (Mahfouz, 1965, p. 317): یک دست صدا ندارد (Mahfouz, 2004, p. 23).

در این جا، مترجم از معادل «یک دست صدا ندارد» برای پاره گفتهٔ «ید واحده لا تصفق» استفاده کرده است.

## ۵. ۷. همانندسازی

ایجاد موقعیت معادل زبان مبدأ در زبان مقصد، یکی دیگر از معیارهای توصیفی ترجمه از دیدگاه وینی و داربلنه است که برای شرح آن از اصطلاح «همانند سازی» بهره گرفته اند. همانندسازی از روش مستقیم ترجمه فاصله گرفته و می کوشد تا معادلی فرهنگی و رایج در زبان مقصد را برای واژه یا ترکیب اصلی بیابد. در ادامه، به برخی از موارد استخراج شده از ترجمهٔ مورد بررسی می پردازیم که برای ایجاد تعادل بین دو زبان مبدأ و مقصد، آورده شده اند:

۳۵. کانک مدیر شرکه من العهد الخالی (Mahfouz, 1965, p. 313): انگار مدیر یکی از این شرکت های عهد بوقی (Mahfouz, 2004, p. 10).

در این جمله، مترجم عبارت «عهد بوقی» را جایگزین عبارت «العهد الخالی» کرده است.

۳۶. هل یقضی علی بان اسجن فی عیادات الطب النفسی (Mahfouz, 1965, p. 314): لازم است تحت نظر روان پزشک باشم؟ (Mahfouz, 2004, p. 13).

در این مثال، مترجم با ترجمه «اسجن فی عیادات الطب النفسی» به صورت «تحت نظر روان پزشک باشم» معادل مناسبی را برگزیده است.

۳۷. فازداد اهتمام الطیب و هو ینعم فیہ النظر باستمرار (Mahfouz, 1965, p. 314): پزشک گوش تیز کرد و به او چشم دوخت (Mahfouz, 2004, p. 13).

بیان معادل هایی مانند «گوش تیز کرد» و «چشم دوخت» برای پاره گفته های «فازداد اهتمام» و «ینعم فیہ النظر»، از نمونه های همانندسازی در این متن به شمار می آید.

۳۸. دخلنا الجد (Mahfouz, 1965, p. 315): قضیه جدی شد (Mahfouz, 2004, p. 14).

بهترین معادل «دخلنا الجد»، پاره گفتهٔ «قضیه جدی شد» است که مترجم به کار برده است.

۳۹. عبث طفوله لا اکثر و لا اقل (Mahfouz, 1965, p. 316): بچه بازی بود، همین و بس

(Mahfouz, 2004, p. 17).

همانندسازی در این پاره گفته، به صورت «همین و بس» به جای پاره گفتهٔ «لا اکثر و لا اقل»

به کار رفته است.

۴۰. ثمه اسئله بلا جواب فاین طیبها (Mahfouz, 1965, p. 316): مشتی سؤال‌های بی‌جواب، کجاست پزشکی که آن‌ها را پاسخ دهد (Mahfouz, 2004, p. 18).  
معادلی که مترجم در این نمونه، جایگزین واژه «ثمه» می‌کند، واژه «مشتی» است که کاربرد آن در زبان مقصد رایج است.
۴۱. قلبی یحدثنی بان کل شیء طیب (Mahfouz, 1965, p. 316): دلم گواهی می‌دهد که همه چیز روبه‌راه است... (Mahfouz, 2004, p. 20).  
پاره گفته «دلم گواهی می‌دهد» در زبان فارسی رایج است و در این‌جا مترجم آن را جایگزین پاره گفته «قلبی یحدثنی» می‌کند.
۴۲. الا اذا اصیب بسرطان ممتاز (Mahfouz, 1965, p. 317): مگر اینکه به یک سرطان ناجور مبتلا شوم (Mahfouz, 2004, p. 21).  
شاید بتوان گفت «سرطان ناجور»، معادل درستی برای گروه اسمی توصیف‌کننده «سرطان ممتاز» باشد که مترجم در این‌جا آن را به کار برده است.
۴۳. زدنی علما (Mahfouz, 1965, p. 324): چطور (Mahfouz, 2004, p. 25).  
عبارت «زدنی علما» را اگر به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کنیم، «اطلاعات من را افزایش بده» ترجمه می‌شود. در حالی که مترجم با معادل «چطور»، که معمولاً در زبان محاوره در زبان مقصد به کار می‌رود، آن را معادل‌سازی کرده است.
۴۴. ما اجمل ان اسمع ذلك! انتقاما من الفن لا حبا فی العلم (Mahfouz, 1965, p. 324):  
چه چیز عجیبی می‌شنوم! بوی انتقام از هنر می‌دهد نه عشق ورزیدن به علم (Mahfouz, 2004, p. 25).  
در این مثال، دو نمونه همانندسازی دیده می‌شود. «ما اجمل ان اسمع» و «انتقاما من الفن»، که به جای آن معادل‌های «چه چیز عجیبی می‌شنوم» و «بوی انتقام از هنر می‌آید» به کار رفته است.
۴۵. ماذا تظن بی (Mahfouz, 1965, p. 324): فکر می‌کنی چه مرگم شده؟ (Mahfouz, 2004, p. 26).  
در این‌جا مترجم از عبارت «فکر می‌کنی چه مرگم شده» استفاده کرده که کاملاً محاوره است و در زبان مقصد مورد استفاده قرار می‌گیرد و آن را به جای «ماذا تظن بی» به کار برده است.

۴۶. هل فی الرجم و الرياضه كفايه؟ كل الكفايه، اعتقد ذلك من كل قلبك (Mahfouz, 1965, p. 324): رژیم و ورزش فایده‌ای دارد؟ حتماً فایده دارد، خیالت کاملاً راحت باشد (Mahfouz, 2004, p. 26).

اسلوب همانند سازی در این عبارت با جایگزینی «خیالت کاملاً راحت باشد» به جای «اعتقد ذلك من كل قلبك» دیده می‌شود.

۴۷. و لنقل ان الانسان لم يخلق ليكتظ بالاطعمه (Mahfouz, 1965, p. 325): باید گفت انسان را برای شکم چرانی نیافریده‌اند (Mahfouz, 2004, p. 27).

در این نمونه، همان‌طور که می‌بینیم، پاره‌گفتهٔ «لیکتظ بالاطعمه» با «شکم چرانی» همانندسازی شده‌است.

۴۸. ستملى المدینه غدا بسمك موسى و لن تجد موضعا للقدم (Mahfouz, 1965, p. 325): فردا شهر پر از ماهی موسی می‌شود آن قدر که نتوانی قدم از قدم برداری (Mahfouz, 2004, p. 30).

عبارت «قدم از قدم برداشتن» از اصطلاحات رایج در زبان فارسی است که مترجم آن را به جای «و لن تجد موضعا للقدم» به کار برده‌است.

۴۹. و ما أضيئنا نحن العقلاء بين الاثنين، نحن الذين نعیش فی السماجه المجسمه (Mahfouz, 1965, p. 326): و ما عاقلان بین این دو گیر کرده‌ایم، ما که در گند و کثافت زندگی می‌کنیم (Mahfouz, 2004, p. 26).

در این نمونه، مترجم پاره‌گفتهٔ «نعیش فی السماجه المجسمه» را به «در گند و کثافت زندگی می‌کنیم» معادل‌سازی کرده‌است.

۵۰. و حنینی الی الویسکی یشتد بصوره ملحوظه (Mahfouz, 1965, p. 326): دلم برای ویسکی پرپر می‌زند (Mahfouz, 2004, p. 31).

«دلم پرپر می‌زند» اصطلاحی است که در زبان مقصد بسیار به کار می‌رود و مترجم آن را به جای پاره‌گفتهٔ «حنینی یشتد» آورده‌است.

۵۱. و من أدرانا (Mahfouz, 1965, p. 326): کی به دادمان می‌رسد (Mahfouz, 2004, p. 31).

در این نمونه، گونه‌ای همانندسازی مشاهده می‌شود و آن، جایگزینی «کی به دادمان می‌رسد» به جای پاره‌گفتهٔ «و من أدرانا» است.

## ۶. بحث و نتیجه گیری

به باور والینسکی (Waliński, 2015) گاهی برای ترجمه، نیازمند ترجمه‌ای معنادار از واژه‌های رایج در زبان هستیم. درک این تغییرات نظام‌مند مابین ساختارهای زبانی، یک جنبه اساسی در ترجمه متن‌ها به شمار می‌آید. بنابراین، برای مقابله با ناسازگاری‌های بین زبان مبدا و مقصد، وینی و داربلنه، طبقه‌بندی جدیدی را ارائه نموده‌اند؛ ترجمه مستقیم، که نقل قول واژه به واژه از زبان مبدا به زبان مقصد است و مشتمل بر قرض‌گیری، گرت‌برداری و ترجمه تحت‌اللفظی است که مترجم در این اثر، از این سه روش بسیار کم استفاده کرده‌است. روش دوم، ترجمه غیر مستقیم است که به بیان دیگر به شرح و تفصیل و خلاصه‌محتویات متن اصلی می‌پردازد که شامل جابه‌جایی، تغییر بیان، تعادل و همانندسازی است. بررسی ترجمه در این پژوهش نشان داد که مترجم از این روش، بیشترین بهره را برده‌است تا بتواند به بازآفرینی هنرمندانه مواد متنی زبان مبدأ (SL) در زبان مقصد (TL) بپردازد. از میان این چهار روش، اقتباس بیشترین بسامد را داشت. با توجه به اینکه اقتباس، ایجاد موقعیت معادل زبان مبدا در زبان مقصد است، بهترین و رایج‌ترین روش در انتقال فرهنگ و جریان‌های اجتماعی به شمار می‌رود. مترجم با جایگزینی درست اصطلاح‌ها، ضرب‌المثل‌ها، عبارت‌های کنایی و صنایع ادبی دیگر، به بازآفرینی مواد متنی «الشحاذ» پرداخته‌است. هر چند لازمه ترجمه متن ادبی، هم بازآفرینی مواد متنی زبان مبدا در زبان مقصد با توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناختی و صنعت‌های ادبی است.

## فهرست منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۵). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی: ۱. ترجمه‌های قرآنی. تهران: انتشارات سروش.
- باغجری، کمال و علی بشیری (۱۳۹۴). «تحلیل روایی رمان الشحاذ (گدا) اثر نجیب محفوظ». مجله زبان و ادبیات عربی. شماره ۱۲. صص ۵۱-۸۰.
- جوان‌فرد، مهشید (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل هنجارهای ترجمه در تبدیل‌های ترجمه‌ای نظریات کتفورد و وینی و داربلنه، مطالعه موردی: قلعه حیوانات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بیرجند.
- حقانی، نادر (۱۳۸۶). نظرها و نظریه‌های ترجمه. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- خزاعی فر، علی (۱۳۷۰). «تکنیک‌های هفتگانه ترجمه». مترجم. شماره ۳. صص ۲۳-۲۸.
- رشیدی، ناصر و شهین فرزانه (۱۳۸۹). «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین بر اساس الگوی گارسس (۱۹۹۴)». سال ۲. شماره ۳. زبان‌پژوهی. صص ۵۷-۱۰۵.
- کتفورد، جی. سی (۱۳۷۰). یک نظریه‌ی ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی. رساله‌ای در زبان‌شناسی کاربردی. ترجمه احمد صدارتی. تهران: نشر نی.

- گنتزler، ادوین، (۱۳۹۳). نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر. ترجمه علی صلح جو. ج ۲. تهران: نشر هرمس.
- ماندی، جرمی (۱۳۹۱). معرفی مطالعات ترجمه نظریه‌ها و کاربردها. ترجمه علی بهرامی و زینب تاجیک. تهران: راهنما.
- محفوظ، نجیب (۱۹۸۸). المؤلفات الكاملة. المجلد الثالث، بیروت: مکتبه لبنان.
- محفوظ، نجیب (۱۳۸۳). گدا. ترجمه محمد دهقانی. تهران: انتشارات نیلوفر.

## References

- Azarnoush, A. (1996). *A history of translation from Arabic in to Persian*. Tehran: Soroush [in Persian].
- Baghjari, K., & Bashiri, A. (2016). The narrative analysis of the novella Al-Shahaz (beggar) of Najib Safavi's work. *Arabic Language and Literature*. 12, 51-80 [in Persian].
- Catford, J. C. (1991). *Linguistic theory of translation: an essay in applied linguistics*. Translated by Ahmad Sedarati. Tehran: Ney [in Persian].
- Edwin, G. (1993). *Contemporary translation theories*. translated by Ali Solhjo. Tehran: Hermes [in Persian].
- Gentzler, E. (2015). *Theories of translation in the present age*. Translated by Ali Solh Jou. Tehran: Hermes Publishing [in Persian].
- Haghani, N. (2007). *Translation theories, compilation*. Tehran: Amir Kabir [in Persian].
- Javanfard, M. (2014). *Analysis of the norms of translation in translational shifts of Catford and Vinay and Darbelnets' theories. case study: animal farm* (Master's thesis). University of Birjand, Birjand, Iran [in Persian].
- Khazaeefar, A. (1992). Seventh translation techniques. *Translator*, 3, 23-28 [in Persian].
- Mahfouz, N. (1965). *Complete component*. Beirut: Lebanon publishing [in Arabic].
- Mahfouz, N. (2004). *The Beggar*. translated by Mohammad Dehghan, Tehran: Nilufar [in Persian].
- Merkle, P. D. (1996). Jean-Paul Vinay and Jean Darbelnet. In C. Juan & M. J. Hamel. *Comparative Stylistics of French and English* (pp. 243-246). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamin.
- Munday, J. (2012). *Introducing translation studies: theories and applications*. translated by Ali Bahrami & zeinab tajik. Tehran: Rahnama [in Persian].
- Ni, L. (2009). *For ' translation and theories'*. Harbin: Department of Culture and Education. HLJ Province School of Administration.
- Paul Vinay, J., & Darbelnet, J. (1995). *Comparative stylistics of French and English*. Translated by Juan C. Sager & Marie-Josée Hamel. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Paul Vinay, J., & Darbelnet, J. (1958). *Stylistique comparée du français et de l'anglais: Méthode de traduction*. Paris: Didier.
- Pym, A. (2014). *Vinay and Darbelnet and the politics of translation solutions*. Spain: Universitat Rovira i Virgili.
- Rashidi, N., & Farzaneh, S. (2010). Evaluation and comparison of Persian translations of the English novel Prince and the beggar, Mark Twain's work based on the Garss pattern (1994). *Zabanpazuhi*, 2 (3), 57-88 [in Persian].
- Tadeusz Waliński, J. (2015). *Translation procedures*. Poland: University of Łódź.

## **Analysis of Translation of the Novel “Alshehaz” Based on the Theoretical Model of Vinay and Darbelnet**

**Shahryar Niazi<sup>1</sup>**  
**Atiyeh Yousefi<sup>2\*</sup>**  
**Mohammad Amirifar<sup>3</sup>**

Received: 22/12/2016

Accepted: 03/07/2017

### **Abstract**

In the early years of the twentieth century, new areas of linguistics were introduced and attention was focused on description of different languages based on scientific and unbiased criteria. In the middle of this century, two Canadians named John Paul Vinay and Jean Darbelnet began to describe the methods used by translators in translating texts from French to English and vice versa based on linguistic patterns and from that time on their methods have been the theoretical basis of various studies in the field of translation studies.

This paper is an attempt to extract comparative examples from the translation of the book “Alshehaz” written by Najib Mahfuz and translated by Mohammad Dehghani under the title of “Geda”, considering the techniques proposed in Vinay and Darbelnet method (direct and indirect translation), and finally presents a summary of the techniques employed in this translation. The results show that the translator often used indirect translation method providing an eloquent translation in Persian and also chose equalisation among the different techniques of this method and presented a successful translation. This method includes borrowing, literal translation, adaptation, calque, transposition, modulation and equivalence.

The study results show that Vinay and Darbelnet have developed a new method to counter incompatibilities between source and target languages. Direct translation that is the word-by-word quotes from the source language to target language, include: borrowing, calque and literal translation which the translator had used less in this work.

---

<sup>1</sup> Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran; [shniazi@ut.ac.ir](mailto:shniazi@ut.ac.ir)

<sup>2</sup> Master of Arts' students, Department of Arabic Translation Studies, University of Tehran (Corresponding author); [a.usefi313@ut.ac.ir](mailto:a.usefi313@ut.ac.ir)

<sup>3</sup> PhD of Arabic Language and Literature, University of Tarbiat Modares; [mohammad.amirifar@modares.ac.ir](mailto:mohammad.amirifar@modares.ac.ir)

The second method is indirect translation, which pays attention to describing, detailing and summarizing the content of the original text, which includes: transposition, modulation, equivalence and adaptation. This study shows that the translator has benefited from this method in order to be able to recreate artistically material of the source language in the target language. Of these four, techniques adaptation has the highest frequency. And given that adaptation is the creation of the source language equivalent position in the target language, is the best and most commonly used one for conveying culture and social processes.

By translating the correct terms, phrases and other literary devices, the translator has attempted to retrieve the material in “Alshehaz”, translator generally used indirect translation methods for presenting a clear translation in Persian, and among the various techniques of this method, he employs adaptation.

**Keywords:** Translation Techniques, Vinay and Darbelnet, Ashahhaz, Geda.

